

جایگاه توریه در پیشبرد اهداف اطلاعات امنیتی از دیدگاه فقهی

سیامک جعفرزاده^۱، حسن کریمی^۲، فاطمه جوادی^۳

^۱ استادیار دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و حقوق اسلامی

^۲ طلبه حوزه علمیه قم

^۳ دانشجوی دکترای فقه و حقوق اسلامی

نام نویسنده مسئول:

سیامک جعفرزاده

چکیده

به کارگیری توریه در زمینه حفظ اطلاعات امنیتی از مسایل مهم یک ملت و کشور محسوب می شود و در این تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی به کارگیری توریه در پیشبرد اهداف اطلاعات امنیتی از دیدگاه فقها پرداخته شده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که یکی از موارد جواز دروغگویی (توریه) حفظ ضرورت و مصلحت در اطلاعات امنیتی یک کشور می باشد. میحث اطلاعات و اهداف اطلاعاتی و امنیتی به طور صریح و مستقیم در فقه کاربرد نداشته است بلکه زیرمجموعه مباحثی چون جنگ و جهاد و جاسوسی بحث شده است. بدین لحاظ مسئله توریه نیز در فقه تحت عنوان توریه در مباحث امنیتی و اطلاعاتی یافت نمی شود بلکه توریه در مباحث دیگر مطرح شده است که در ضمن بحث درباره آن مسائل و اجرای توریه، ارتباط آن را با مسائل امنیتی بحث خواهد شد.

واژگان کلیدی: توریه، اطلاعات، حفاظت اطلاعات، اطلاعات امنیتی، اهداف اطلاعاتی.

مقدمه

در مقام حفظ اطلاعات و امور امنیتی و نظامی یک کشور، دین و ملت و ... توره می‌تواند در مواقعی که فرد مجاز به دروغ گفتن نمی‌باشد و یا حتی مواقعی که مجاز به دروغ گفتن می‌باشد اما به دلائلی نمی‌خواهد لب به دروغ گشاید راهگشای خوبی باشد. در این مقاله سعی بر این است تا دیدگاه فقه و فقها و شرع اسلام درباره توره نگاشته شود و با مقایسه آراء دلیل اختلاف نظر ایشان شناسانده شود. دلائل اینکه چرا برخی توره را دروغ می‌دانند بنابراین، به کار بردن آن را تنها در مواردی که دروغ جایز است، مجاز می‌شمارند چرا برخی دیگر، توره را مطلقاً جایز می‌شمارند چرا

برخی توره را فقط در مواقع ضروری جایز می‌دانند بر شمرده می‌شود. اینکه آیا قصد و نیت باطنی توره‌کننده در جواز و عدم جواز توره نقش دارد یا به نیت توجهی نمی‌شود و فقط صرف عمل مد نظر قرار می‌گیرد مورد بحث قرار می‌گیرد. منشاء اختلاف از اینجا ناشی می‌شود که ملاک دروغ بودن کلام، خلاف واقع بودن ظاهر کلام است، یا خلاف واقع بودن مقصود متکلم. از آنجایی که متکلم در توره معنای خلاف واقعی از کلامش اراده نکرده و بدون توجه به مقصود و مراد گوینده از کلامش نمی‌توان آن را دروغ خواند، توره مصداق دروغ نیست. اما در باب اینکه آیا توره در امور اطلاعاتی از قبیل کسب اطلاعات، حفظ اطلاعات و انتقال اطلاعات و امور امنیتی کاربرد دارد و می‌تواند یکی از روشهای اطلاعاتی باشد یا نه باید نظرات فقها در باب دروغ بررسی شود و در صورت جواز دروغ و فریب توره می‌تواند یکی از روشهای حفظ اطلاعات محسوب شود؟

ماهیت توره

توره در لغت

توره، لغت عربی از ماده «وری»، مصدر باب تفعیل، در اصل به معنای «ستر» و «پوشاندن» است. وقتی در مورد «خبر» به کار می‌رود، به معنای «پوشاندن حقیقت خبری و اظهار غیر آن است. به طوری که، حقیقت را وراء و پشت خود قرار دهد تا آشکار نباشد». (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۱۵: ۳۸۹؛ جوهری، ۱۳۶۸، ۴: ۲۵-۲۳) توره، در لغت به معنای پنهان کردن، پوشانیدن و افشا نکردن راز است. (فراهیدی، ۱۴۰۵، ذیل «وری») (فیروزآبادی، ۱۴۰۷، ذیل «وری») همچنین توره در فرهنگ لغت فارسی به معنای پوشانیدن و پنهان کردن حقیقت؛ امری را برخلاف حقیقت نشان دادن؛ حقیقت را نهفتن و ... آمده است. (معین، ۱۳۸۷، واژه توره و عمید، واژه توره)

توره در اصطلاح

در اصطلاح متون فقهی توره آن است که متکلم از سخن خود معنایی را جز آن چه مخاطب می‌فهمد (یعنی معنایی خلاف ظاهر) اراده کند. (فیومی، ۱۹۸۷، ذیل «وری») (طریحی، ۱۳۶۲، ذیل وری) (جرجانی، ۱۴۰۵، ۱: ۹۷) (السیوطی، ۱۹۷۳، ۲: ۲۲۶) به تعبیر منابع ادبی و علوم قرآنی، توره که از محسنات معنوی سخن به شمار می‌رود، آن است که گوینده، لفظی را که دو معنای نزدیک و دور (قریب و بعید) دارد، به کار برد و به اتکای قرینه ای پنهان، معنای دور را اراده کند، حال آن که مخاطب به معنای نزدیک التفات بیابد. (زرکشی، ۱۴۱۰، ۳: ۴۹۳)

در این منابع، توره با واژه‌هایی چون ایهام و تخییل و مغالطه و توجیه هم معرفی و اقسامی برای آن بیان شده است. نجفی اصفهانی توره مورد بحث را «توره عرفی» نامیده و آن را متمایز از «توره بدیعی» دانسته است. (تفتازانی، کتاب المطول، ۱، ۴۲۵- زرکشی، ۱۴۱۰، ۳: ۴۹۳-دسوقی، بی تا)، ۲، ۵۲۹-۵۳۰-هاشمی، ۱۳۶۹، ۱: ۳۷۷-۳۷۸-سیوطی، ۱۹۷۳، ۲: ۲۲۶-نجفی اصفهانی، ۱۴۱۳، ۱: ۹۰-۸۸)

در متون حدیثی و فقهی، به ویژه فقه اهل سنت، کاربرد واژه معراض یا معاریض به جای توره (برگرفته از حدیث منسوب به پیامبر اکرم (ص): «إِنَّ فِي الْمَعَارِضِ لَمَنْدُوحَةً» (بی‌هقی، ۱۴۱۴، ۱۰: ۱۹۹-عسقلانی، ۱۳۷۹، ۱۰: ۵۹۴) عن الکذب هم رایج است و گاه تعبیری دیگر مانند «تأویل» (ابن قدامه، ۱۴۰۳، ۱۱: ۲۴۲ و ۲۴۵-علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳: ۲۸۲) یا «تعریض» (تعریض در لغت به معنای به کنایه و ایما سخن گفتن می‌باشد. (لغت نامه دهخدا، فرهنگ معین، فرهنگ عمید) (ابن قیّم جوزیه، بی تا)، ۳: ۲۳۵-نراقی، ۱۳۷۵، ۲: ۳۲۳-۳۲۴) به کار رفته است.

معنای اصطلاحی آن در علم اخلاق و فقه با معنای لغوی اش تفاوتی ندارد. شیخ انصاری در تعریف آن گفته است: «الفاظی دو پهلوی در کلام خود به کار ببری به نحوی که خود از آن معنایی مطابق واقع اراده کرده‌ای، ولی قصد داری که مخاطب معنایی خلاف واقع را از ظاهر کلام تو بفهمد». (شیخ انصاری، ۱۴۱۶، ۱: ۱۵۰) توره در اصطلاح فقه، عبارت از این است که گوینده، معنایی مطابق با واقع را از لفظ اراده کند و در عین حال، هدف او این است که مخاطب معنایی را که مقصود اوست و لفظ هم در آن ظهور دارد نفهمد، بلکه خلاف آن را از لفظ بفهمد. مثلاً گاهی می‌شود که انسان درباره شخصی سخن می‌گوید، ولی بعداً مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد، او در دفاع از خود در مقام انکار

می‌گوید: «عَلِمَ اللَّهُ مَا قَلْتَهُ» کلمه (ما) در این جا مشترک بین دو معنا است: نافیه و موصوله (به معنای چیزی) اگر کلمه ما را در معنای نفی به کار گیریم، معنای جمله چنین است. (خدا می‌داند که چنین سخنی نگفته‌ام) و این خلاف واقع است و اگر در معنای موصوله (چیز) به کار گیریم معنای جمله یاد شده چنین خواهد بود، (خدا به آنچه که گفته‌ام عالم است) و این مطابق با واقع است، بنابراین کلام، استعداد دو گونه معنی را دارد: که یکی مخالف واقع است و دیگری موافق با واقع و گوینده عملاً جواب را دو پهلوی می‌کند، تا مخاطب از آن معنا، نفی را استفاده کند، در صورتی که مقصود گوینده، معنای موصول آن است. (انصاری، ۱۳۷۸، ۲: ۱۷)

شرایط توریه

برخی از فقهاء دو شرط برای توریه بودن یک کلام ذکر کرده‌اند: اول اینکه، لفظ به حسب فهم متعارف عرفی، ظاهر در معنایی غیر از آن باشد که مخاطب اراده کرده است؛ زیرا اگر لفظ ظاهر در معنی مراد متکلم باشد و مخاطب به خاطر قصور فهم خود، معنای ظاهری را متوجه نشود، به آن توریه نمی‌گویند. دوم اینکه، اراده آن معنا از آن لفظ برای متکلم جایز باشد؛ یعنی بینشان علقه و رابطه‌ای باشد. اگر استعمال آن لفظ در آن معنا صحیح نباشد، توریه نیست. مثل کسی که بگوید: پنجاه درهم به فلانی دادم و مرادش یک درهم باشد، این دروغ است نه توریه. (روحانی، ۱۴۱۲، ۱۴: ۴۲۸-۴۲۹)

در صورتی که ظهور سخن در مراد متکلم عرفاً معلوم باشد ولی مخاطب، به علت قصور در فهم، متوجه مقصود نشود، توریه مصداق نمی‌یابد. (توحیدی، ۱۳۷۱، ۱: ۳۹۸-۳۹۹ و ۳: ۳۰۱-روحانی، ۱۳۷۶، ۲: ۱۲۶)

برخی مؤلفان، قصد در افکندن مخاطب را در معنای غیرمراد، جزء مفهوم توریه ذکر کرده‌اند. (انصاری، ۱۴۱۶، ۵۰، ۱-غیری، ۱۴۱۸، ذیل واژه)

قصد و نیت در توریه

با توجه به مباحثی که ذکر شد و نظرات فقهاء نیز مؤید آن بود که نیت در توریه نقش فراوانی دارد بنا به نظر شهیدثانی اگر شخص بخواهد از معنای حقیقی لفظی منصرف به معنای مجازی شود باید نیت توریه نماید وگرنه صحیح نمی‌باشد و عدم نیت توریه به معنای کذب بودن سخن وی می‌باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد، باید شرط سوم نیز به آن دو اضافه کرد و آن اینکه، متکلم قصد پنهان داشتن حقیقت و مراد اصلی خود را دارد. همانطور که در تعریف بیان شد، توریه یعنی کلام را طوری بیان کنی که ظاهر در معنایی غیر از آنچه خود اراده کرده‌ای باشد. متکلم از این کار مقصودی دارد و آن پنهان داشتن مراد اصلی خویش از کلام است. از این‌رو، بر اساس این شرط اگر متکلم بدون قصد پنهان داشتن مراد اصلی خویش و بدون اینکه خود متوجه باشد، کلامی بیان کند که دارای وجوه مختلفی است و می‌توان ظاهر کلامش بر همه آنها حمل کرد، و مخاطب آن را به معنایی خلاف مراد متکلم حمل کند، این توریه نیست، بلکه یک سوء تفاهم است. (اترک، ۱۳۸۹: ۷۷)

تعریف اطلاعات

اطلاعات اساساً مفهومی مبهم، نارسا و غیردقیق است و از منظرهای گوناگون و به اعتبارهای متفاوت می‌تواند تعریف شود. در یک نگرش عام اطلاعات را می‌توان به اعتبار سازمانی، فعالیت خاص و یا به اعتبار پیکره ویژه‌ای از دانش، معرفت و یا اخبار پرورش یافته تعریف نمود.

از منظر نخست، مفهوم اطلاعات به مصداق‌های ساختاری - نهادی رجوع می‌دهد. آنچه با این نوع برداشت متبادر به ذهن می‌گردد، سازمان‌ها و سرویس‌هایی هستند که با هدف کسب، پرورش و تولید اطلاعات تأسیس یافته‌اند. (سازمانها و سرویسهای اطلاعاتی)

از نگاه دوم، اطلاعات به محصولی اطلاق می‌شود که از رهگذر جمع‌آوری، ارزیابی، تجزیه و تحلیل، ترکیب و تفسیر اطلاعات خامی که مربوط به یک یا چندین جنبه از ملل خارجی یا عرصه‌های عملیاتی که بالفعل و یا بالقوه نیازمند طراحی هستند به‌دست می‌آید. به بیان دیگر اطلاعات می‌تواند به مثابه اخباری تعریف شود که جمع‌آوری شده، سامان‌یافته و برای اهداف بازیگران یا تصمیم‌سازان خاص تدقیق و تحلیل شده‌اند. از این منظر اطلاعات هم می‌تواند ناظر بر جمع‌آوری اطلاعات آشکار باشد و هم جمع‌آوری اطلاعات پنهان و طبقه‌بندی شده. آنچه در این تعریف از اطلاعات مستتر است، مدار اطلاعاتی می‌باشد.

با رویکرد سوم، اطلاعات صرفاً آن دسته از اخبار و داده‌ها اطلاق می‌گردد که طی برآیند تجزیه و تحلیل و بررسی، پرورش یافته باشند. لذا به این اعتبار اطلاعات را می‌بایست از اطلاعات پرورش نیافته و یا خبر تفکیک کرد. از این منظر می‌توان اطلاعات را به گونه موضوعی نیز تقسیم و طبقه‌بندی نمود: همچون اطلاعات استراتژیک، اطلاعات تاکتیکی، اطلاعات سیاسی، اطلاعات اقتصادی، اطلاعات نظامی، اطلاعات تکنولوژیکی، اطلاعات جغرافیایی و غیره.

تقسیم اطلاعات

اطلاعات آشکار

اطلاعات را به اعتبار دسترسی آزاد یا غیرآزاد به منابع آن می‌توان به اطلاعات آشکار و اطلاعات پنهان تقسیم کرد. اطلاعات آشکار را آن دسته از اطلاعات و منابعی می‌دانیم که به لحاظ نظری در دسترس هر دانشمند و محقق قرار دارند. امروزه و در پی انفجار اطلاعات، بر حجم اطلاعات آشکار افزوده شده است. نتیجه این تحولات اهمیت یافتن منابع آشکار در کسب اطلاعات مورد نیاز می‌باشد.

اطلاعات استراتژیک اطلاعاتی را گویند که اساساً باعث شکل‌گیری سازوکارها و خط‌مشی‌ها، و طرح‌های عملیات اطلاعاتی - نظامی در سطوح ملی و بین‌المللی می‌گردد به بیان دیگر اطلاعات استراتژیک به اطلاعات تجزیه و تحلیل شده، ترکیب‌یافته، و تفسیرشده‌ای اطلاق می‌گردد که برای توسعه و پیشرفت مقاصد و سیاست‌های امنیت ملی و طرح‌های مربوط به آنان مورد نیاز است.

اطلاعات پنهان

دولتها، بنابر مصالحی، افشای برخی از داده‌های مربوط به خود را به صلاح ندانسته و از انتشار آنها جلوگیری می‌کنند. اینگونه اطلاعات را اطلاعات پنهان می‌نامیم.

برای اینکه اطلاعات و اخباری را به صورت پنهان نگهداری کرد، علاوه بر قصد و نیت نگهدارنده به شرط دیگری نیز نیاز است و آن توانایی نگهدارنده بر حفظ و نگهداری از اطلاعات می‌باشد. از این رو جمع شدن دو عامل در کنار یکدیگر باعث شکل‌گیری اطلاعات پنهان و دوام آن می‌گردد: قصد و اراده دارنده اطلاعات (یا تولیدکننده آن) به پنهان نگهداشتن آن و توانایی و قدرت نگهدارنده اطلاعات در پنهان نگهداشتن آن.

اطلاعات رزمی یا تاکتیکی نظامی، بخشی از اطلاعات نظامی است و در مقابل اطلاعات استراتژیک نظامی قرار می‌گیرد. این اطلاعات، دانستنی‌هایی است در مورد جو، زمین و دشمن در یک منطقه عملیاتی که در طرح‌ریزی‌ها و هدایت عملیات تاکتیکی مورد استفاده فرماندهان نظامی و ستاد آنها قرار می‌گیرد.

اطلاعات نظامی، جمع‌آوری، پرورش اخبار به‌دست آمده و دانستنی‌هایی است که مربوط به یک دشمن احتمالی یا حقیقی و منطقه عملیات است. همچنین اطلاعات نظامی را مجموعه اخباری دانسته‌اند که با نحوه استقرار نیروهای نظامی کشور بیگانه، به قصد هدایت نیروهای نظامی خودی در زمان صلح، سروکار دارد، این اطلاعات به علاوه به قصد اداره عملیات نظامی علیه نیروهای نظامی بیگانه در زمان جنگ نیز تحصیل می‌گردد. در این راستا کلیه توانایی‌ها و مقدرات دفاعی و هجومی نیروهای نظامی بیگانه (اعم از دشمنان بالقوه و دیگر دولت‌های ملی) تجزیه و تحلیل گردیده، ارزیابی شده و تفسیر می‌گردد تا در اختیار مقامات ارشد سیاسی و نظامی قرار گیرد.

هر سرویس اطلاعاتی درایت آگاهی و خردمندی خود را از طریق ارایه هشدارهای کیفی نشان می‌دهد. هشدارها آن دسته از علائم و نشانه‌هایی هستند که حکایت از بروز رویداد یا پدیده‌ای در آینده دارند و هشداردهی اعلام و ابراز علائم نشانه‌های بروز یک واقعه از سوی دستگاه اطلاعاتی به مراجع ذیربط می‌باشد. به این ترتیب می‌توان گفت اطلاعات هشداردهنده آن دسته از داده‌های ارزیابی شده است که نشان دهنده میزان احتمال وقوع و کیفیات تحقق رویدادهای ناخواسته در آینده مشخص می‌باشد. این گونه اطلاعات ماهیتاً خصلت خطراتی و هشدار دهنده‌گی داشته و مصرف‌کنندگان یا سیاست‌گذاران را در یک زمینه خاص حساس می‌سازد.

نقش توریه در حفظ اطلاعات امنیتی

اهمیت توریه به خصوص در مواردی که مصلحت و ضرورت ایجاب می‌کند شناخته می‌شود و با توجه به اینکه یکی از موارد ضروری که توریه می‌تواند در آن نقش به سزایی ایفاء نماید حفظ اطلاعات امنیتی خانواده و ملت و کشور و در عرصه گسترده‌تر دین می‌باشد که افراد باید برخی مسائلی که ضرورت ایجاب می‌نماید که از دستبرد دشمنان در خفا بماند و مسائل خصوصی حوزه مربوط به خود را نزد دیگران افشای اسرار ننمایند و می‌توان گفت که توریه یکی از بهترین روش‌های حفظ اسرار و اطلاعات می‌باشد. این امر به خصوص در مسائل مربوط به امنیت و امور نظامی یک کشور می‌تواند در حفظ اسرار امنیتی، راه گشای خوبی باشد. اکنون با توجه به اهمیت توریه تلاش شده به جواز و عدم جواز آن از دیدگاه فقها پرداخته شد و مجوزات شرعی آن بررسی شود.

جواز توریه

مسئله اول در توریه این است که آیا توریه، کذب است یا نه؟ مسئله دوم اینکه، توریه در چه مواردی جایز است؟ آیا مطلقاً جایز است یا تنها در برخی موارد؟ اگر توریه، کذب باشد تنها در موارد جواز کذب، توریه هم جایز خواهد بود، ولی اگر کذب نباشد، ممکن است گفته شود مطلقاً جایز است.

در این مسئله سه قول وجود دارد: برخی توریه را «مصدق دروغ می‌دانند». بنابراین، آن را تنها در موارد جواز دروغ، جایز می‌دانند. برخی آن را «مصدق دروغ نمی‌دانند». بنابراین، توریه را مطلقاً جایز می‌شمارند. برخی نیز با اینکه توریه را دروغ نمی‌دانند، «اما گفتن آن را بطور مطلق، جایز نمی‌دانند». و فقط در موارد جواز دروغ، به عنوان فرار از دروغ جایز می‌دانند و به نظر می‌رسد توریه به عنوان مبنای حفظ اطلاعات امنیتی جایز می‌باشد.

نمونه‌هایی از موارد مشروعیت توریه:

در منابع فقهی در باب بحث توریه در امور اطلاعاتی به صورت مستقیم بحثی به میان نیامده است اما مواردی از لزوم دفع ظالم، لزوم حمایت از مظلوم، حفظ مصالح و دفع مفاسد توسط اجرای توریه بحث شده است.

چنانچه رهایی مؤمنی یا بازگرداندن مال مظلومی و یا دفع ستم از انسانی یا مال و یا عرض او متوقف بر دروغ گفتن باشد در صورتی که امکان توریه وجود داشته باشد بنابر قول برخی واجب است توریه شود و در صورت عدم امکان، قسم دروغ جایز بلکه واجب است. (سلار دیلمی، المراسم العلویة، ۱۴۱۴: ۱۸۸ - محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲: ۴۰۲ - علامه حلی، ۱۴۱۳، ۲: ۱۸۸) برخی بر وجوب توریه در این صورت اشکال کرده (علامه حلی، ۱۴۱۹، ۲: ۳۴۱) و برخی، آن را واجب ندانسته‌اند. (نجفی، ۱۴۱۲، ۲: ۷۳ و ۳۵: ۳۴۲-۳۴۳)

برخی فقها حکم توریه را با توجه به میزان مصلحتی و ضرورتی که در انجام آن وجود دارد تعیین می‌کنند. به جهت رعایت مصلحت و در صورتی که در راستگویی، مفسده ای وجود داشته باشد به جهت اجتناب از مفسده می‌توان توریه را اجرا نمود و در این صورت حرمت توریه از بین می‌رود. اما توریه واجب نیست البته بهتر است در اجرای توریه به مقدار مصلحت مفروض کفایت نمود. بنابراین توریه جایز و مستحب و بلکه برای ایجاد کردن فتنه میان مشرکین واجب است و فقط به سخن اختصاص ندارد بلکه می‌توان در نوشتار و اشاره هم توریه نمود. (نجفی، ۱۴۱۲، ۲: ۷۳)

برخی از فقها عالم بودن توریه کننده نسبت به زوایای توریه را شرط می‌دانند. اگر ظالم بخواهد مال ودعی را از دست شخصی بگیرد آن شخص می‌تواند با قسم خوردن کذب و توریه نمودن مال را از دست ظالم برهاند زیرا در مواقع ضروری می‌توان کذب را جاری کرد زیرا در این موقع دو قبح با هم تعارض می‌کنند و به خاطر ضرورت آنچه قبح کمتری دارد مقدم می‌شود. البته توریه را کسی جاری می‌کند که به همه ی زوایای توریه علم داشته باشد وگرنه توریه کردن و حفظ کردن مال دیگری از دست ظالم از عهده ی شخص ساقط می‌شود. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۲: ۱۸۸) اما بر کسی که به ابعاد توریه علم داشته باشد توریه کردن در صورت وجود مصلحت و ضرورت واجب می‌شود. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۲: ۱۸۸)

علامه حلی در مواقع ضروری حتی دروغ گفتن و قسم دروغ را نیز جایز دانسته اند اما در صورت امکان توریه را بر دروغ ترجیح داده اند. اگر دروغ گفتن برای رهایی مومن یا نجات مال مظلوم و یا دفع کردن ظلم از جان و مال و ابروی کسی باشد واجب است اما اگر امکان توریه کردن باشد بهتر از دروغ گفتن است و اگر امکان توریه کردن نباشد می‌تواند قسم بخورد و این کار گناه و کفاره ندارد. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳: ۲۸۳) وی در مورد قسم خوردن در دعاوی مالی قسم دروغ را مبتنی و مشروط بر توریه نموده است. هرگاه کسی علیه دیگری مدعی طلبی باشد که وی آن را ادا کرده و یا طلبکار او را ابراء نموده است و مدعی علیه از این بیم داشته باشد که ادعای ابراء یا ادای دین به دلیل نداشتن بینه منتقل به قسم شود و مدعی با قسم طلب ادعایی خود را بگیرد، جایز است اصل طلب او را انکار کند و بر آن قسم بخورد به شرط آن که توریه نماید تا دروغ لازم نیاید به شرطی که به ابعاد توریه علم داشته باشد و همچنین اگر بترسد که در صورت قبول دین حبس شود و از حبس او ضرر و مشقت فراوانی به خانواده اش وارد شود می‌تواند قسم بخورد و توریه نماید. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳: ۲۸۳) لیکن شیخ طوسی و شیخ مفید دروغ و قسم دروغ را همواره مبتنی بر توریه نموده است. اگر شخصی برای یکی از فرزندانش مالی را هبه نماید اما در نوشتار به صورت بیع ذکر شده باشد و در نوشتار ذکر شده باشد که شخص هبه کننده ثمن را قبض نموده است اما ورثه در اخذ ثمن توسط هبه کننده ادعای عدم اخذ کنند و از آن شخص ثمن را ادعا کنند و یا خواستار قسم شوند جایز است قسم بخورد که ثمن را تسلیم نموده است و در باطن توریه نماید تا از دروغ و گناه قسم کذب بر خدا رهایی یابد در این صورت گناهی بر او نیست. (شیخ طوسی، بی تا، ۱: ۶۰۳) شخص بدهکاری که توانایی پرداخت دین را ندارد اگر طلبکار شکایت نزد حاکم برد در صورت اقرار فرد بر دین حبس می‌شود اگر ترس ورود ضرر بر خانواده اش و ترس گرسنگی آنها را داشته باشد و در نیت قصد پرداخت دین را داشته باشد می‌تواند قسم بخورد که دینی بر عهده او نیست و در این کار توریه نماید در این صورت گناهی و کفاره ای بر عهده ی فرد نمی‌باشد اما اگر نیت پرداخت دین را نداشته باشد گناهکار می‌باشد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۱: ۵۵۷)

توریه از دیدگاه فقهای امامیه

شهید ثانی ابتدا توریه را تعریف نموده و سپس مواردی را برمی شمارد که به دلیل وجود اکراه نیازی به توریه نمی باشد و فرد می تواند دروغ بگوید حتی قسم دروغ بخورد. سپس شهید ثانی اجرای توریه را در موارد غیر اکراه را منحصر به مورد ضرورت و منوط به عالم بودن فرد می داند.

توریه یعنی اینکه لفظ از معنای ظاهریش منصرف شود و گناه و دروغ را رفع نماید. توریه فقط باید به نفع مظلوم باشد نه به نفع ظالم. قسم مکره منعقد نمی شود اگر شخصی مکره بر قسم شود که کاری انجام ندهد جایز است آن را انجام دهد اگر چه توریه نکرده باشد. اگر فردی در انجام طلاق توریه نماید حتی اگر بر انجام طلاق مجبور شده باشد و بگوید امرائی طالق و نیت طلاق سابق را نماید اینکار جایز است و طلاق محسوب نمی شود. هم چنین اگر مکره بر قسم خوردن شود که کاری انجام ندهد و بگوید «ما فعلت کذا» (اصل در اینجا این است که ما، مای نافیه باشد) اما توریه نماید و ما را مای موصوله قرار دهد توریه چنین شخصی صحیح است به وسیله توریه شخص از گناه شکستن قسم و مخالفت با محتوای قسم خارج می شود. (البته در طلاق مکره و قسم اکراهی به دلیل وجود اکراه صیغه طلاق و قسم منعقد نمی شود).

توریه کردن فقط در صورتی فائده دارد که شخص عالم به همه ی ابعاد و زوایای توریه باشد وگرنه نمی تواند توریه را جاری نماید. توریه هم چنین می تواند به خاطر خبر دادن و یا انکار واقع ای باشد که در گذشته اتفاق افتاده است. و به خاطر مصلحتی آن را انکار کرده است و یا مجبور به انکار بوده است در این صوت به خاطر انکار خبر می توان توریه را اجرا کرد و صرفاً توریه در قسم اجرا نمی شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۹: ۲۰۶)

یکی از موارد و مصادیق توریه این است که لفظ مشترک ذکر شود و از آن معنایی غیر از آنچه در محاوره معمول است قصد شود با این روش از دروغ بودن خارج می شود اگر چه قسم نباشد. اینکه جایز بودن توریه را مقید به اضطرار کرده اند استفاده می شود که در غیر ضرورت توریه جایز نیست زیرا اطلاق لفظ حمل بر معنای حقیقی می شود و استفاده مجاز از آن لفظ، کذب را می رساند. اما برخی گفته اند توریه تا زمانی که افاده ظلم نکند جایز است زیرا عدول از معنای حقیقی جایز است و نیت و قصد باطنی اشخاص آن را مشخص می کند. البته شایسته است که توریه مبتنی بر مصلحت باشد همانگونه که برخی سلف صلح نیز چنین فرموده اند. (پیشین، ۹: ۲۰۷)

آراء اهل سنت درباره توریه

هر چند حکم فقهی توریه ابتدائی (یعنی توریه ای که بدو و بدون ضرورت، صورت گیرد) کمتر در منابع فقهی مطرح شده، برخی فقها، به ویژه آنان که توریه را موضوعاً خارج از کذب می دانند، به جواز آن (با حصول شرایطی) تصریح و به احادیث هم استناد کرده اند. (حنبل، ۱۴۰۰، ۹: ۲۸۲، خطیب شربینی، بی تا، ۴: ۳۲۱)

برخی فقهای اهل سنت چنین توریه ای را با استناد به احادیث یا بدین استدلال که مصادیق تدلیس به شمار می رود، جایز ندانسته اند. (جوزیه، بی تا، ۳: ۲۳۶، عسقلانی، ۱۳۷۹، ۱۰: ۵۹۵، حنبلی، ۱۴۰۰، ۹: ۲۸۲)

برخی بر آن اند که مفسده کذب، یعنی در جهل افکندن شنونده، در توریه هم وجود دارد. (جوزیه، بی تا، ۳: ۲۳۶) برخی منابع اهل سنت کذب را تلویحاً بر دو قسم دانسته و دروغ گویی را در برابر توریه کذب محض، حقیقی یا خالص خوانده اند (عسقلانی، ۱۳۷۹، ۶: ۱۶۰ و ۶: ۳۹۱- شوکانی، ۱۹۷۳، ۸: ۸۵، ابن عابدین، ۱۳۹۹، ۶: ۴۲۸)

اطلاق کذب بر توریه در این منابع برگرفته از متن حدیثی است که واژه کذب در آن بر مفهوم توریه حمل شده است؛ ازین رو، برخی مؤلفان، اطلاق مزبور را مجازی و ناشی از شباهت میان توریه (معارض) و کذب شمرده و به رغم وجود این شباهت، حکم فقهی آن دو را یکسان ندانسته اند. (ابن جوزی، بی تا، ۵: ۳۶۰-۳۶۱، ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۴: ۳۱۷)

مجوزات توریه

از آنجا که دروغ نوعی فریب است، مجوزات دروغ، مجوزات فریب و در نتیجه، توریه با قصد فریب خواهد بود. این مجوزات را می توان به دو قسم: عقلی و نقلی تقسیم کرد. مجوز عقلی، تنها یک مورد است و آن مورد ضرورت. ضرورت مصادیقی دارد که عبارتند از: اکراه؛ اضطرار؛ دوران امر بین محذورین؛ معنای اکراه آن است که کسی انسان را مجبور به دروغ گفتن کند به گونه ای که اختیار از او سلب شود. در این صورت، کذب جایز می گردد. اضطرار شامل ضرر مالی، جانی، آبرویی و مالی قابل توجه می شود. برای دفع این ضررها، کذب جایز است. البته، ضرر غیر از عدم النفع است. ضرر کاسته شدن و از دست دادن سرمایه موجود است. ولی عدم النفع، عدم افزودن بر سرمایه موجود است. از کلام علماء روشن می شود که دروغ برای جلب نفع جایز نیست. نراقی در این باره می گوید: «لاریب فی ان ما یجب و یضطر الیه هو الکذب

لامور فی فواتها محذور و اضرارا و ليس كل الكذب لزيادة المال و الجاه و غير ذلك مم يستغنى عنه فانه محرم قطعاً اذ فواته لا يوجب ضرراً او فساداً و اعداماً للموجود بل انما يوجب فوات حظ من حفظ النفس» (نراقی، ۱۳۷۵، ۲: ۹۹-۱۰۰)

اما مورد سوم از مجوزات کذب، مقام تراحم محذورین است؛ یعنی از طرفی اگر راست بگوئید محذوری پیش می‌آید. مثلاً واجبی ترک می‌شود یا ارتکاب حرامی لازم می‌آید. از سوی دیگر، اگر دروغ بگوئید، مرتکب حرام خواهید شد. این مقام دوران امر بین محذورین است که مجوز کذب است. با این شرط که محذور کذب از محذور مزاحم دیگر آسان‌تر باشد؛ یعنی در نظر شارع یا عرف ارتکاب آن محذور دیگر قبح بیشتری از ارتکاب محذور کذب دارد. مثل اینکه اگر راست بگوئید، جان انسان بی‌گناهی به خطر می‌افتد یا آبرویش می‌رود.

اما در مجوزات نقلی کذب باید گفت که مشهورترین حدیثی که بر جواز کذب در برخی موارد دلالت دارد: یعنی «كل كذب مسئول عنه صاحبه يوم الا في ثلاثة: رجل كائد في حربه فهو موضوع عنه، او رجل اصلح بين اثنين... او رجل وعد اهلہ شیئا و هو لا يريد أن يتم لهم». مواردی که در روایات ذکر شد، مواردی هستند که برخی دلیل عقلی نیز موافق آنها است. برخی فقط به خاطر دلیل شرعی جایز شده‌اند. جواز دروغ به موقع جنگ موردی است که مورد تأیید عقل نیست. ولی دروغ به خاطر اصلاح بین مردم و دروغ به همسر و فرزندان چیزی نیست که بتوان دلیل عقلی موافق آن درست کرد. (اترک، ۱۳۸۹: ۸۷)

توریه را می‌توان مانند دروغ فرض نمود. فلسفه و حکمتی که باعث می‌شود برخی از اقسام دروغ جایز شمرده شود، وجود مصلحت برتری، همچون حفظ منافع معنوی مؤمنین، سلامت و امنیت جامعه ایمانی و خانواده است که در آن موارد بر مفسده دروغ گویی ترجیح می‌یابد. در این صورت اگر دروغ گفتن باعث حفظ یک مصلحت مهمتری در بین می‌شود مثل آنکه اگر دروغ گفته شود باعث می‌شود با افشاء نکردن راز یک مومن جان یا مال و یا آبروی او حفظ گردد یا اطلاعات امنیتی یک کشور حفظ شود همانند دروغ در جنگ و یا دروغ گفتن فردی که به عنوان جاسوس در میان دشمن نفوذ کرده است در این صورت دروغ گفتن اشکال ندارد. اگرچه دروغ گفتن اشکالی ندارد اما در همه موارد در صورت امکان، توریه بهتر از دروغ مجاز می‌باشد.

ضرورت‌ها امور ممنوع را مجاز می‌سازد، اما باید توجه داشت که اگر چه اضطرار، دروغ را مجاز و حرمت آن را برطرف می‌کند، به معنای تغییر حقیقت ناپسند دروغ نیست، بلکه «قبح عقلی» دروغ همچنان پا بر جاست و برطرف نخواهد شد، اما آنجا که شرع و عقل، انسان را به یکی از دو رفتار «ناپسند» و «ناپسندتر» ناگزیر ببیند، بر لزوم به جای آوردن رفتار «ناپسند» حکم می‌کنند. این نکته را باید متذکر شد که اگر چه دروغ گفتن از دید شرع در موارد اضطرار و برای دفع ضررهای بزرگ و غیر قابل تحمل جایز است، اما چنانچه راهی وجود داشته باشد که بدون ارتکاب دروغ، ضرر را دفع کند باید آن راه برگزیده شود. یکی از این راه‌ها روش «توریه» است.

نتیجه گیری

در باب حکم توریه، باید به انواع توریه بر حسب قصد متکلم توجه داشت. اگر مقصود از توریه، صرفاً پنهان داشتن مقصود اصلی خویش از کلام باشد، بدون اینکه با عدم نصب قرائن کلامی لازم یا نصب قرائن انحرافی، موجب فریب مخاطب شود، در آن صورت توریه جایز است؛ زیرا پنهان کردن مقصود اصلی و واقع، فی حد نفسه، عمل غیراخلاقی نیست مگر عناوین ثانویه بر آن مترتب شود. اما اگر در توریه قصد فریب مخاطب وجود داشته باشد و گوینده بخواهد معنای خلاف واقع به مخاطب تفهیم کند، توریه مصادق فریب بوده و جایز نیست مگر در موارد جواز فریب و دروغ. یکی از موارد جواز دروغ و فریب لزوم حفظ ضرورت و مصلحت است دروغ و فریب بد بوده و هست اما از دست دادن امور ضروری و مصالح ملی که یکی از مصادیق آن حفظ امور امنیتی و اطلاعاتی می باشد بدتر می باشد و ما بین بد و بدتر بد را انتخاب می نماییم و به جهت عدم ارتکاب بد که دروغ یا فریب باشد توسط امر توریه در جهت عدم ارتکاب آن گام برمی داریم. در ذکر نظرات فقها شاید به صورت مستقیم توریه در امور اطلاعاتی بحث نشده باشد اما با دقت در موارد و مصادیق توریه متوجه می شویم که در همه موارد جهت مقابله با دشمن و جلوگیری از ظلمی که در صورت عدم توریه بر مظلوم وارد می شود حکم به جواز و در برخی موارد حکم به وجوب آن شده است. بحث جواز توریه در امور امنیتی و اطلاعاتی نیز در جهت مقابله با دشمنی که قصد دستیابی به اطلاعات کشور و ملتی در جهت سوء استفاده از آن کشور یا ملت را دارد به میان می آید و اهمیت بحث در جهت حفظ منافع ملی آشکار می گردد.

منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) ابن جوزی، زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت، ۱۴۰۴.
- (۳) ابن قدامه، المغنی، بیروت، چاپ افست، ۱۴۰۳.
- (۴) ابن کثیر، تفسیرالقرآن العظیم، بیروت، چاپ محمود عبدالقادر ارناؤوط، ۱۴۲۰.
- (۵) ابن منظور، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵.
- (۶) اترک، حسین، ماهیت و حکم اخلاقی توریه، معرفت اخلاقی، ۱۳۸۹، شماره ۴، ص ۷۵-۹۴.
- (۷) انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب المحرمه، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۶.
- (۸) بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، استانبول، ۱۴۰۱.
- (۹) بیهقی احمد بن حسین، السنن الکبری، مکه، چاپ محمد عبدالقادر عطا، ۱۴۱۴.
- (۱۰) توحیدی محمدعلی، مصباح الفقاهة فی المعاملات، تقریرات درس آیه الله خویی، قم، ۱۳۷۱.
- (۱۱) جرجانی علی بن محمد، التعریفات، بیروت، چاپ ابراهیم اباری، ۱۴۰۵.
- (۱۲) جوزیه ابن قیّم، اعلام الموقعین عن رب العالمین سعد، بیروت، چاپ طه عبدالرؤف، بی تا.
- (۱۳) الجوهری، اسماعیل بن حمار، الصحاح، بی جا، دارالعلم للملایین، ۱۳۶۸.
- (۱۴) حلی، ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، ۱۴۱۷.
- (۱۵) حلی، حسن بن یوسف، نهاية المرام فی علم الکلام، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۹.
- (۱۶) حنبلی ابن مفلح، المبدع فی شرح المقنن، بیروت، ۱۴۰۰.
- (۱۷) خطیب شربینی محمد بن احمد، مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، مع تعالیک جوبلی بن ابراهیم شافعی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- (۱۸) روحانی محمدصادق، منهاج الفقاهة: التعليق علی مکاسب الشیخ الاعظم، (قم)، ۱۳۷۶.
- (۱۹) روحانی، سیدصادق، الفقه الصادق، مدرسه الامام الصادق، الطبعة الثالث، المطبعة العلمية، ۱۴۱۲.
- (۲۰) زکشی محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشلی، جمال حمدی ذهبی، و ابراهیم عبدالله کردی، ۱۴۱۰.
- (۲۱) سلار دیلمی حمزه بن عبدالعزیز، المراسم العلویة فی الاحکام النبویة، قم، چاپ محسن حسینی امینی، ۱۴۱۴.
- (۲۲) سلیمان بن اشعث ابوداود، سنن ابی داود، چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید، (قاهره، بی تا)، چاپ افست بیروت، بی تا.
- (۲۳) سیوطی عبدالرحمان بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، ۱۹۷۳.
- (۲۴) شوکانی محمد بن علی، نیل الاوطار، بیروت، ۱۹۷۳.
- (۲۵) شهید ثانی زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، (۱۴۱۳-۱۴۱۹).
- (۲۶) طریحی فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، چاپ احمد حسینی، ۱۳۶۲.
- (۲۷) طوسی محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، قم: قدس محمدی، بی تا.
- (۲۸) عاملی، حرّ، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة؛ قم؛ چاپ اول مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
- (۲۹) عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری: شرح صحیح البخاری، بیروت، چاپ محمود فؤاد عبدالباقي و محب الدین خطیب، ۱۳۷۹.
- (۳۰) علامه حلی، حسن بن یوسف قواعد الاحکام، قم، (۱۴۱۳-۱۴۱۹).
- (۳۱) غدیری عبدالله عیسی ابراهیم، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهیة، بیروت، ۱۴۱۸.
- (۳۲) فراهیدی خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ۱۴۰۵.
- (۳۳) فیروزآبادی محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، ۱۴۰۷.
- (۳۴) فیومی احمد بن محمد، المصباح المنیر، بیروت، ۱۹۸۷.
- (۳۵) قرطبی محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- (۳۶) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- (۳۷) محقق حلی جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، چاپ عبدالحسین محمدعلی بقال، ۱۴۰۸.
- (۳۸) معین محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، چاپ ۱۲، تهران، نشر سرایش.
- (۳۹) نجفی محمدحسن بن باقر، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، ۱۴۱۲.

Equivocation speech (Torayeh) role in advancement information goals from the Juridical viewpoint

Abstract

The use of Torayeh in safeguarding security information is one of the important issues of a nation and country, and in this research, using the analytical and descriptive method, the use of Torayeh in advancing the security information purposes from the point of view of the jurists has been addressed. The results show that one of the cases of lying (Torayeh) is the maintenance of the necessity and expediency of security in a country. The topic of information and intelligence and security objectives has not been explicitly used in jurisprudence, but has been discussed in a series of topics such as war, jihad, and espionage. In this regard, the Torayeh issue has not been found in jurisprudence under the name Torayeh in security and intelligence, but in the discussion of these issues and the implementation of Torayeh, it has been discussed in other topics, discussing it with security issues.

Keywords: Equivocation speech (Torayeh), information, maintain information, Security information, information goals.